

شب یکشنبه سوم شوال	شد ز در این سفینه مالامال
سیصدویست و پنج بعد هزار	رفته از هجرت شه ابرار
از شهر و هزار و نه صد و هفت	سال میلاد ده ز پانزده رفت
آن دوم بود و این به هیفدم	مه بیزغاله مهر در کژدم

وی ظاهراً نخستین عضو عادیست که بعد از مؤسسين وارد لژیوناری شده و علاوه بر اعضاء کرسی لژ تهران که جلد چپ دیپلم او را امضاء کرده اند . در جلد راست آن نیز از طرف رئیس شورای جمعیت گرانداوریان فرانسه ، اعضاء شورای جمعیت ، نماینده لژیوناری در هر کز گرانداوریان فرانسه و منشی شورای جمعیت در پاریس اعضاء و عضویت او تصدیق گردیده است و بالاخره در متن دیپلم او در زیر شعار آزادی - برابری و برادری این جملات به چشم میخورد :

« لژ شرق اعظم - شورای عالی برای کشور فرانسه و متصرفات - برای تمام اعضاء - فراماسونری - سلامتی ، قدرت و اتحاد خواستار است »  
و متن دیپلم بقراردیل است :

« بنا بر تقاضائی که از طرف R. L. و لژیوناری ایران از تهران شده و بنا بر شهادت این شعبه ، فراماسون میرزا صادقخان ادیبالممالک رئیس عدلیه متولد در تهران ۱۴ محرم ۱۲۷۷ و ساکن کاشان از طرف لژ پذیرفته و بدرجه Maitre قبول شده. »

→ در سال ۱۲۹۳ با اتفاق برادرش پنهان آمد که از حاکم شکایت کند . اوقصدای در شکایت از روزگار و بردن املاکش ساخته به شاهزاده طهماسب میرزای مؤیدالدوله تقدیم کرد . شاهزاده از شعر او خوشش آمد و از آن روز در محفل شعرا و ادبا وارد شد . خیلی زود مبتلا به تریاک ، مرفین و عرق شده در ۱۳۰۷ همراه حسینقلیخان امیر نظام به تبریز رفت و در ۱۳۱۶ در مدرسه لغمانه نایب رئیس شد . در همین سال روزنامه «ادب» را منتشر کرد .

در ۱۳۱۸ از تبریز به قفقاز و خوارزم رفت و نزد پسر محمد امین خان خیوه بسر برد . در این سال به مشهد رفت و دو سال بعد مجدداً روزنامه ادب را در همین شهر منتشر ساخت . در ۱۳۲۱ سردبیر روزنامه (ایران سلطانی) شد . در ۱۳۲۴ سردبیر روزنامه (مجلس) و در ۱۳۲۵ روزنامه عراق هجم را در تهران تأسیس نمود . در ۱۳۲۶ وارد وزارت عدلیه شده ریاست عدلیه عراق و سمنان را هم داشت . در ۱۳۳۲ مدیر روزنامه (آفتاب) و همان سال مجدداً رئیس صلیحیه ساوجبلاغ و یزد شد . در یزد سکنه ناقص کرد و در ۱۳۳۶ در سن ۵۸ سالگی در تهران در فقر و گرسنگی بمرد .

در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۰۸ ما امضاءکنندگان گرانداوریان فرانسه این دیپلم را  
 صادر کردیم. برای اینکه وی از کلیه مزایا و حقوق  
 استفاده نماید. و تمام فراموشیهای ممالک خارجه نیز او را بعنوان برادر قبول  
 کنیم استادی Maitre را باو میدهم.

اینست که با وجودیکه ادیبالممالک در روزهای آخر عمر به چند قران  
 در فقر و گمنامی در گذشت. با اینحال بموجب قبوضی که در پرونده  
 باقیمانده مبالغ زیر را به ما بون سیاح صندوقدار لژ و مسیولانس و نیز یوز  
 ک

زای درجه C. M مبلغ یکصد قران.

سال ۱۹۰۸ شصت قران.

سال ۱۹۰۹ یکصد قران.

سال ۱۹۱۰ یکصد قران.

این قبوض، چند قبض دیگر نیز که وی برای خرید نسخه قانون اساسی  
 در ۲۹ محرم ۱۳۲۹ و سایر مخارج پرداخته موجود است. در پروندهای که  
 با ما بون از همسر او خریداری کرده يك نامه از ژول درك، يك نظامنامه  
 پستداری ایران و تعدادی شعر که بخط شخص وی میباشد وجود دارد.  
 این نامه ای که در این پرونده ضبط است با آنچه که نگارنده از اسناد حکیم الممالک  
 تطبیق میکند.

این پرونده نامه ژول درك رئیس گرانداوریان در ۲۴ مارس ۱۹۰۸ وجود  
 آن ممالک آنرا ترجمه نموده و عیناً نقل میشود:

سرور سید صادق خان ادیبالممالک

ژول درك که در ۱۹۰۷ در پاریس استاد اعظم و دبیر کل گرانداوریان بوده در  
 پاریس مقامات گوناگونی نقایر: ممیزی دفاتر محاسبات - عضویت محکمه بدایت  
 مسافران حکومت پاریس - حکم در محکمه تجارتي عدلیه پاریس را داشته است. اصل عکس  
 ادیبالممالک داده شده و نزد نویسنده است.



در اسله مورخ ۲۰ ژانویه شما که يك قطعه عكس خودتان را فرستاده بودید  
 را بفرستادم. اگر شما شاهزاده عبدالله میرزا را بعد از مراجعتش از اروپا  
 می‌شناسید، بی‌شک می‌توانید بفرمایید که چقدر از این محبت شما احساس دوستی  
 می‌کنم. گاهی که او را ملاقات نمودم از عکسهای خودم حاضر نداشتم که برای  
 شما بفرستم. دلیل تأخیر در عرض جواب هم همین بود ولی چون میدانم که شما  
 در این باره این شاگرد مکتب گذشت و انعام می‌باشید از اینکه امروز جواب  
 می‌دهم خواهی بخشید.

مردم خیلی خوشحال که يك مردی بمقام و رتبه ادبی شما بخوبی منافع  
 ما را درک کرده است. تردید ندارم که اگر برادران ماسن مادر تهران  
 هم بکند بگر از راه کار و عمل صمیمانه یاری کنند می‌توانند همچون مشعل  
 روشن و عقب مانده ترین مردم را روشن نمایند. رسیدن باین نتیجه يك  
 آرزوی ما است که در عمل نمونه حسن اخلاق مدنی و خدمت

ما را در ماسنی در قالب مشرق زمین می‌توانند با انتشار اصول جاویدان اعضای با  
 و همند پارلمان در مملکت ایران تجدید حیات نمایند. رئیس محترم يك  
 منشی اثر شما باید کاملاً مورد اعتماد و احترام برادرانش باشند و نسبت  
 با او احترامات لازم منظور دارند.

این همه مفید است. بنابراین اتحادش به منفعت عموم است نه استفاده شخصی.  
 برادران يك مأموریت سیاسی مربوط بمنافع ملت بدهد و یا يك خدمت  
 بفرماید باید باین اصل معتقد باشد که این خدمت از طرف مردان فداکاری  
 عموم با او گذارنده است.

برادر عزیزم جرأت و صمیمیت و اعتماد بین برادران ماسن که لایق این اسم  
 شاهزاده میرزا هکاس فرزند سیف‌اله میرزا نوه فتحعلشاه است و اعقاب او سپهبد  
 میباشد.

باشند لازم است .

در همه عالم اشخاص ناسزاگو و متعصب یافت میشوند که پیشرفت ما را جلوگیری میکنند و گاهی بهترین خدمتگذاران ما یوس می‌نمایند. با اعتقاد من ضرر اشخاص ناسزاگو برای مؤسسه حکمت شعار و انسان دوست ما بیشتر است تا خود متعصبین . زیرا باشکال میتوان به عملیات اشخاص ناسزاگویی پی برد . در صورتیکه اشخاص صمیمی متعصب قابل عفو میباشند شناختن آنها هم آسان است و میتوان جلو ضرباتشان را گرفت .

نبریکات من برادران ماسن . . . برای دور هم جمع شدن کوشش کنید کلیه همشهریها را بخودنان معتقد سازید و آنها را تحت دیسپلین دریاورید و با آنها تکالیفشان را بقبولانید. وقت آن رسیده که بدیای متمدن بنمائید که ایران لیاقت زندگی دارد میتواند منابع ثروت خود را بکار بیندازد افکار افراد را آزاد بگذارد و هر کس مطابق لیاقت و استعداد خود کسب دارائی نماید. بقسمی که مزدورین و خیانتکاران شرمسار شوند و نتوانند بهیم نوع خود ضرر برسانند .

با صدای بلند فریاد کنید که ما نهضیات معنوی و مادی آزادی میخواهیم در برابر قانون مطابق لیاقت و استعداد حق تساوی میخواهیم و با همه مردم مطابق طبقه و مقام و هوش و فراست برادری میخواهیم و این سه اصل را به آزادی فکر و اتحاد بتمام آنها تکیه موجب پیشرفت وطن هستند کم کم کنید .

برادر عزیز آرزوی من از قریب ده سال با یشطرف که با برادران ایران در مکاتبه هشتم همین است . زیرا تا آنجائی که من میدانم شما ملتی با هوش هستید منابع ثروت بسیار دارید باید دسته‌ای با عملیات فکری و اخلاقی و دسته‌ای با عملیات مادی که ضرر اخلاقی برای دیگران نداشته باشد به نتیجه برسید .

برای تمام اینکارها باید چند نفر با هوش و دقت و عایدی وجود خود را برای بنیان گذاشتن صمیمیت و اعتماد لایتناهی و وطنپرستی و شهامت بین اشخاص مصر و فدارند نتیجه افکار خوب ، گفتار خوب و اعمال خوب است .

برادر عزیز من شکرم که برای من وسیله‌ای فراهم آورد بد که این چند کلمه را بشما امیدوارم که این مکاتبات ادامه داشته باشد در انتظار وصول نامه‌ها و یک روزی بنام - خواهشمندم مراتب احترامات برادرانه مرا بپذیرید .

### زول درك

اکنون به بینیم چرا فراماسونری کشورهای انگلیس و

فرانسه در سدد تشکیل لژ ماسونی در ایران برآمدند و این

دولت بزرگ از تشکیل شعب خود در این کشور چه نظری

داشتند و دارند . بطوریکه قبلاً گفته شد ، فراماسونری

خود را يك سازمان جهانی میداند و اساس فعالیت خود را

تشکیل « حکومت جهانی » و نوعی « حکومت انترناسیونالی » که کمیستها

تلقاض دارند ، قرارداد است . کارگردانان این سازمان جهانی از بدو فعالیت

رای توسعه این مرام در جهان ، تا آنجا که امکان پذیر بوده و هست ، میکوشند .

سنت سازمانهای فراماسونری فرانسه « گرانداوریان » و سازمان « اسکاتلند » هر

رای تشکیل شعب خود در ایران کوشیدند و هر دو نیز موفق شدند ، گروهی از افراد

ای مملکت را وارد در سازمانهای خود کنند .

همه قانون اساسی ماسونی فرانسه و انگلستان و آلمان هر سه اعضا خود را از

بامور سیاسی منع میکنند ولی وجود افراد مؤثر و سیاسی کشور ما در این

بالمطبع « سیاست » را وارد محافل آنها کرده میکنند . محمود عرفان در این-

مینویسد :

مکتبم که لژ تهران انجمن بیداری ایران نیز نام داشت و اگر چه سنت فراماسونری

مکتب در امور سیاسی است ولی چون تقریباً تمام فراماسونهای تهران از رجال

تولدت اجتماع آنها و گفتگو و صحبت آنان طبعاً بامور سیاسی ارتباط پیدا میکرد

اینکه لژ تهران در بیداری مردم و آشنا کردن عامه ملت بنحقوق خود سعی

داشت و بهمین مناسبت لژ تهران انجمن بیداری ایران نامیده شد و در دوره

ناصرالدین‌شاه و بعد از آن هم که این گفتگوها ممنوع بود فراماسونها بودند که انجمن سری داشتند و عهد کرده بودند سر اجتماع و فرقه خود را بروزندهند. و تعلیمات استادان و بزرگان خود را پیروی نمایند و بزرگان آنها همه با تمدن مغرب زمین آشنائی داشتند و میخواستند ایران را از استبداد و بی قانونی نجات دهند که مانند فرنگستان قانون بین شاه و رعیت و بین تمام مردم حکومت کند.

هر فراماسونی در قلب دوستان و آشنایان و خویشان خود تخم این تعلیمات را میکاشت و با آنها می‌فهمانید که غیر از پادشاهان قاجار و اوضاع دربار ایران حکومتها و ملت‌های دیگر نیز هستند و امور عامه بشکل دیگری غیر از آنچه در ایران معمول بود ممکن است اداره شود.

ناشناس بودن فراماسونها باین مقصود بیشتر کمک میکرد علاوه فراماسونها همه از مردمان با نفوذ بودند و حرف آنها در دلها تأثیر داشت ...<sup>۱</sup>

يك نویسنده دیگر فراماسونری در باره علل و هدف تأسیس ماسونیم در ایران آن زمان، نوشته است:

«... بنایان آزاده از تأسیس لژ فراماسونری در ایران چند مقصود را وجهه همت خود قرار داده بودند:

اول - میخواستند پشتیبانی محافل ماسونی جهان را که در سیاست بین‌المللی نفوذ فراوانی میدارند نسبت بنضرت ایران جلب کنند تا بتوانند از دسیسه کاری عمال استبداد که مخصوصاً از طرف دولت روسیه تزاری جداً تقویت میشدند جلوگیری و در برابر آنان مقاومت کنند.

دوم - حفظ استقلال کشور در برابر مظالم خارجی.  
در آن روزها چنگال روسیه چنان گلوی ایران را فشرده بود که دیگر کسی امید بی‌قای استقلال کشور نداشت. بنایان آزاده میکوشیدند با کمک نیک خواهان جهانی مانع شوند از دزدی روسیه لقمه‌ای را که تاینج فرورده بود بخورد.

مهم . میخواستند برای اداره امور کشور پس از بارور شدن نهال آزادی افرادی را تربیت کنند که در عین حال واقف باوضاع عمومی کشور باشند . از این نظر لژ فراماسون در حقیقت مکتبی برای پرورش افراد فرهیخته‌های مختلف اجتماعی بوده تا آن تربیت شدگان بتوانند کشور را با لایح مطابق سنن دموکراسی اداره کنند .

مطالعه زحمات نیکخواهانان آن بیشران در هر سه نظر فرین کاهیبی شد آزادی ایزدیان روز بروز فروزنده‌تر میگردید و هم استقلال کشور در برابر مداخله بیگانه‌ها ماند . همچنین در اروپا کمیته‌هایی از آزاد مردان بجهت استقلال ایران تشکیل شد که برخی از آنها بجهت حمایت از ایران با گشمکش کردند . . . .

احتراف کرد که اکثریت اعضاء لژ بیداری ایران در دوران حیات سیاسی چهار لژشهای سیاسی و اخلاقی شدند ، و عدد کثیری از ماسونهای عضو آن لژ در این مملکت حکومت میگردند ، به ارزشهای اخلاقی خویش اکتفا ، منتهی در بین بعضی از آنها سنجش این ارزشها ، مقیاسهای دیگری آید که دیگران بدان اعتقاد داشتند متفاوت بود . آنچه که همیشه طرف پیرویش عامه مردم بخصوص طبقات روشنفکر و نسل فعلی قرار می‌گیرد اینست : ماسونهای عضو لژ بیداری از سیاست انگلستان و پیروی از خواستهای آن لژ آن جانبداری می‌کردند ، شاهد و مثالهای متعددی از افراد سرشناس لژ آن لژ داشتند .

لژ نهم از آنوقت بوجود آمد که انگلیسها علناً به مخالفت با دربار قاجاریه برخاستند و بیرون راندن روسها از ایران از هیچگونه تلاشی و اقدامی خودداری

نکردند . نهضت مشروطیت و حتی نهضت آزادیخواهی و مبارزه با استبداد دستگاه



فاجاریه، انگلیسها که خود را آزادیخواه و حامی آزادی مردم ایران معرفی میکردند بدون پرده و بطور علنی از اینگونه افکار پشتیبانی می‌کردند و بر اثر همین اقدام جسورانه آنها بود که طرفداران استبداد موفق شدند مشروطه خواهان و آزادی طلبان را بصورت عناصر وابسته به انگلستان بجامعه معرفی کنند. اساساً ایده‌ها و افکاری که جنبه بین‌المللی دارد هنگام گسترش و توسعه نمیتوانند از جانبداری و یا همبستگی با یکدیگر و یا یک دولت و ملت برهیز کنند.

فراماسونها و کمونیستها که هر دو دارای نزاع ناسیونالیسم بوده هستند و هر دو در راه بین‌المللی کردن افکار خود گام برمیدارند، در واقع اینان با عقیده «هراکلیتوس» موافق میباشند که گفت: «راه فراز و راه نشیب هر دو یکی است» بنا بر عقیده هراکلیتوس شخصی که از تپه‌ای بالا میرود و یا کسیکه از تپه‌ای فرود می‌آید هر دو آنها بیک مقصد میرسند منتهی از لحاظ مسیر باهم اختلاف دارند.

کمونیستها میگویند که کارگران جهان که مالکان اصلی و حقیقی دنیا هستند و چرخهای صنعت اجتماع را بحرکت درمی‌آورند، باید زمام امور کشورها را بدست گیرند و کشورها را اداره کنند. ماسونها نیز میگویند طبقات عالی و روشنفکر و افرادی که از هرگونه لغزش اخلاقی و اجتماعی مصون می‌باشند برای هدایت و راهنمایی جهان و اداره کشورها شایسته می‌باشند و اینها جماعتی هستند که باید بشریت را در راه (آزادی - برابری - برادری) پیش ببرند. و در نتیجه پیروان هر دو دسته برای رسیدن بمقصود خود از هیچگونه کوششی خودداری نمی‌کنند و شاید از هیچگونه بستگی هراس نداشته باشند.

برای نمونه مباحثی از اقدام و توفیق الدوله در انعقاد قرارداد معروف ۱۹۱۹ (۱۳۳۷ هـ) نام برد. بطوریکه خواهد آمد وی یکی از چهره‌های درخشان لژی بیداری ایران بود که در ترجمه اسناد و ریتول‌های فراماسونری و آزاره فن سخن گفتن و نوشتن برای بیداری برادران ماسونش تلاش می‌کرد. او که در دوران نخست وزیریش قرارداد معروف ۱۹۱۹ را منعقد ساخته بود در توجیه عمل خود مقیاس خاصی برای سنجش

شاید از نظر خود وی و بعضی از برادران ماسونش صحیح بنظر می آید ولی  
 انگار عمومی مردود و غیر قابل بخشایش بشمار مبرفته است .  
 آن ایام چون انگلیسها بقلط مشهور به آزادیخواهی و آزادی طلبی شده بودند  
 اسونهای عضو لژ بیداری ایران جانبداری از آندولت را عملی صحیح می-  
 ال آنکه همین رجال دیده بودند که سیاستمداران فراماسون انگلیس  
 سال ۱۹۰۷ (۱۳۲۴ هـ) بخاطر انعقاد قرارداد شوم و تقسیم ایران بین خود و  
 الموداد .

از فراماسونهای عضو لژ بیداری ایران که در آن زمان سعی داشتند نسبت  
 و حمایت از انگلیسها و خیانت بمردم و مملکت به آنها داده نشود، پس از  
 یاد نشکین سال ۱۹۱۹ بنای انتقاد از برادر و ثوق الدوله را که روزی یکی  
 نامناک لژ بیداری بود، گذاشتند. از جمله حاج سید نصراله تقوی که یکی  
 بیداری ایران بود هنگامیکه اسم و ثوق الدوله را می شنید عصبانی می شد  
 بخیر قابل بخشایش میداد است. سناتور سید مهدی فرخ در شرح حال خانواده  
 می نویسد :

روز ریاست وزراء دوم آقای وثوق الدوله روزی به آقای اورنگ فرمودند از قرار  
 که آقای سید نصراله ( منظور حاج سید نصراله تقوی است ) در مجلسی از  
 تمجید کرده و از من تکذیب نموده است علت چیست؟ با ایشان صحبت کرده  
 بفرمائید .

نگر روز بعد آقای اورنگ ایشان را ملاقات می نماید میگوید با آقای حاج  
 اگره کردم. ایشان گفتند «آقای وثوق الدوله دارای محسنات زیادی است .  
 باهوش و در این قسمت حتی به مشیرالدوله برتری دارد ، معلوماتش هم  
 مشیرالدوله شخص درست و صحیح العملی است و ثوق الدوله دستش پلشت  
 است و مقصود اینست که شما پول میگیرید و مشیرالدوله مرد بی طمع و

درستکاری است<sup>۱</sup>

و فوق الدوله در جواب میگوید :

از طرف من به آقای حاج سید نصرالله سلام برسانید و بگوئید درستی و بیطمعی آقای مشیرالدوله در زمان تصدی خود جوال جوال نشان شیر و خورشید به فرنگستان فرستاد و وجوه مأخوذه از اینراه را ذخیره نموده و نیز تمام امتیازات به اجانب به - امضای ایشان است و از اینراه تمول زیادی جمع آوری نموده و سهام نفت برای ورثه ذخیره کرده است . به این جهت آقایان مشیرالدوله و مؤتمن الملک دستشان چسبناک نیست ولی من از میرزا ابراهیم معتمد السلطنه دیناری ارث نبردهام ناچار من حالا پول می گیرم هر کس هر چه می خواهد بگوید بعدها پسر منم مشیرالدوله و مؤتمن الملک خواهند شد . باید تصدیق کرده که آقای وثوق الدوله این پروگرام را دقیقاً به موقع به عمل گذاردند . . . .<sup>۲</sup>

باید دانست که از لحاظ سیاسی بکنوع مبارزه پنهانی در تهران مبارزه پنهانی بین دیپلماتهای انگلیس و فرانسه و ایرانیانی که طرفدار یکی با انگلیسها از این دو سیاست بودند وجود داشت که در موارد متعدد مبارزه آنها بداخل لژ فراماسونری نیز کشیده میشد و گاه در گزارشهای رسمی سفارتخانهها منعکس می گردید . مثلاً در گزارشهای که در همان اوان وزیر مختار انگلیس در تهران به «سراد واردگری» وزیر امور خارجه فرستاده نوشته شده است : «مخالفت هائی که دیپلماتهای فرانسوی علیه عملیات ما در ایران می کنند ، بتدریج صورت جدی بخود می گیرد .

همه عوامل آنها حتی کسانی که در لژ فراماسونری بیداری ایران به این مبارزه کشایده شده اند در این امر شرکت دارند گرچه اعضاء سفارت وجود مخالفت پنهانی و

۱ - خانواده خیانت یا شجره خبیثه ص ۳۸

۲ - این شرح برای بار دوم در خاطرات سید مهدی فرخ در مجله سپید و سیاه یا امیز

۱۳۴۲ نیز نقل و تجدید چاپ شده است .

علمی را ناپدید نمی کنند ولی شواهدی در دست است که نمیتوان منکر این حقیقت شد.<sup>۱</sup> علاوه بر گزارش فوق «بالغوز» انگلیسی که برای اجرای قرارداد ۱۹۱۹ به ایران آمده بود در کتاب مشهور خود مینویسد: «بعضی دلایل و مدارک در دست است که بحسب آنها از نظر مرام و مسلکی فرانسویهای عقیم ایران و اگر واضعتر بگوئیم پهلماهای فرانسوی تا آنجا که در قوه دارند، میکوشند در برابر انگلیسها مقاومت کنند و آنها را در مضیقه قرار دهند. علاقه فرانسویها در این کشور بیشتر متوجه تلاش طبیبان عقیمه و حمایت از پروفیسورهای باستان شناس و اطباء و متخصصان دولتی است. خیلی مشکل است که بتوان انگیزه آنان را در مبارزه با انگلیسها فهمید. هیچ جای بحث نرود نیست که حتی پای فراماسونهای فرانسوی هم در تبلیغات علیه انگلیسها بمیان کشیده شده و آنان در این راه مشغول فعالیت اند.»<sup>۲</sup>

کتاب «بالغوز» که در موقع انتشار در انگلیس توقیف شده، در عین حال مبارزات پنهانی انگلیسها را با روسها و فرانسویها و سایر منابع قدرت روشن می کند. در بین اعضاء لژیونری ایران سران ایالات بختیاری، عمدتاً از صاحبان القاب و سیاستمداران حرفه ای و تنی چند از مشروطه خواهان طرفدار انگلیسها بودند. در حالیکه بقیه اعضاء لژ در صف مخالف جای داشتند و پیروی از سیاست های گوناگون برای عده دیگری کاملاً بی تفاوت بود.

هیچگونه مدرک و سندی در دست نیست که نشان دهد شعب لژ در شهرستانها در شهرستانهای ایران نیز تشکیل شده است با وجود این «هانری رنه» آلمانی در سفرنامه خویش درباره فعالیت لژ فراماسونری در مشهد مینویسد: «از سال ۱۹۰۶ [۱۳۲۴ هـ] در شهر مشهد يك فراموشخانه ای هم در این شهر تأسیس شده که اعضای آن میخواهند در صفوف ملاها شکافی ایجاد نمایند و از قدرت و نفوذ آنها بکاهند. شعار اعضاء آن هم مانند شعار فراموشخانه های اروپائی میباشد که عبارت است از يك مثلث و يك برگار ولی آنان رابطه مستقیمی با فراموشخانه

۱- اسناد بایگانی انگلیس ۳۶۱-۶۰.

های اروپا ندارند...<sup>۱</sup>

یکصد و شصت و هشت  
عضو لژ بیداری

حال می‌پردازیم به یکی از مهمترین بحث‌های لژ بیداری  
ایران و اینکه چه کسانی در آن طی پانزده سالی که لژ  
فعالانه کار میکرد شرکت داشتند.

در این باره چهارلیست از اسامی اعضاء لژ وجود دارد که  
در آنها یکصد و شصت نفر ایرانی و هفتاد خارجی مقیم تهران عضو لژ بیداری ایران  
معرفی شده‌اند. و بدیست از مندرجات هر يك از این لیست‌ها اطلاع حاصل کنیم.

۱- نخست از اسامی ژلاتینی شده موجود در اسناد حکیم‌الملک حکیمی یاد می‌کنیم.  
در این لیست نام یکصد و بیست و چهار نفر از اعضاء ایرانی و خارجی لژ که از ابتدا وارد  
آن بودند، وجود دارد. بنظر میرسد که صاحبان این اسامی در چهار سال اول تشکیل  
لژ وارد شده باشند. زیرا دیپلم آخرین نفر آنها که میرزا فتح‌الله سردار منصور بوده و  
مسیو «برنارد» فرانسوی او را معرفی کرده است در سال ۱۹۱۲ (۱۳۳۰ هـ) صادر شده.  
و علاوه بر این در فهرست مزبور نام سی و یک نفر دیگر وجود دارد که در سه لیست دیگر  
نیست.

۲- دومین صورت اسامی، شامل نام یکصد و پانزده نفر است که در خاتمه رساله  
خطی آئین فراماسونی «ادیب‌الممالک» متعلق به مرحوم اشراق محضردار، ضبط شده  
است.<sup>۲</sup> همه اسامی که در این رساله نوشته شده در صورت ژلاتینی حکیم‌الملک  
وجود دارد منتهی در برابر اشخاص زیر توضیحاتی داده شده است که شرح آن چنین  
است:

۱- میرزا محمدعلیخان قوام‌الدوله<sup>۳</sup> رحلت فرموده

۱- سفرنامه از خراسان تا بختیاری ترجمه قزوینی ص ۶۱۸

۲- این رساله اکنون در تصرف هاشمی حائری است.

۳- میرزا محمدعلیخان قوام‌الدوله پسر میرزا عباس قوام‌الدوله آشتیانی پدرباوالقاسم

- ۲- میرزا اسمعیل خان ثقة الملك<sup>۱</sup> رحلت فرموده  
 ۳- حاج میرزا محسن مظفر الملك<sup>۲</sup> جامعه تهی ساخت  
 ۴- نصرت الله خان عمید السلطنه سردار امجد طالش<sup>۳</sup> رحلت فرموده  
 ۵- میرزا فضل الله خان لواء الملك<sup>۴</sup> بر حمت ایزدی پیوست  
 ۶- دوست محمد خان معیر الممالک<sup>۵</sup> بر حمت ایزدی پیوست  
 ۷- دکتر حسین خان کحال<sup>۶</sup> بر حمت ایزدی پیوست  
 ۸- مسیو پیرم خان<sup>۷</sup> در جنگ همدان شهادت یافت جمادی الاول ۱۳۳۰  
 ۹- حاج میرزا ابراهیم آقای تبریزی<sup>۸</sup> در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ در موقع بمباران مجلس در بارک امین الدوله شهید شد .  
 ۱۰- شاهزاده امان اله میرزا ضیاء الدوله<sup>۹</sup> در موقع هرج و مرج آذربایجان و استیلای روس خود را مخلوع نمود .  
 ۱۱- محمد نقی خان احتساب الملك<sup>۱۰</sup> استعفا داده است .

- ۱- میرزا اسمعیل خان ثقة الملك رشتی - پسر میرزا محمد علی ثقة الملك از رؤسای لواء سمیمی نوه حاج میرزا سمیع رشتی .  
 ۲- حاج محسن خان مظفر الملك از اطرافیان ظل السلطان و حاکم یزد و بروجرد .  
 ۳- نصرت اله خان عمید السلطنه ، حاکم طالش و گرگان رود . اهل تسنن بوده و در دوران حکومتش ظلم و ستم فراوان بر مردم کرده است .  
 ۴- شناخته نشد .  
 ۵- دوست محمد خان معیر الممالک از خانواده معیر ، داماد ناصرالدین شاه بوده .  
 ۶- دکتر حسین خان کحال از چشم پزشکان معروف است که همسرش خواهر کلنل گلالم خان سیاح و فرزندانش نام خانوادگی کمال دارند .  
 ۷- پیرم خان از منی عضو اشناک از سرداران مشروطیت .  
 ۸- حاج میرزا ابراهیم آقا تبریزی از سران مشروطیت بود . در انقلاب ستیز پیش از سایر آذربایجانیها فعالیت میکرد و به محمد علی شاه ناسزا میگفت .  
 ۹- شاهزاده امان اله میرزا هنگامیکه قوای روس آذربایجان را اشغال کرد چون سالها باروسها مبارزه میکرد به کنسولگری انگلیس رفته با هفت تیر خودکشی کرد .  
 ۱۰- میرزا محمد نقی خان احتساب اله لك نام خانوادگی مقدم پدر محسن مقدم استاد دانشگاه .

۱۲- آقا سید جمال الدین واعظ در و جرد در مجلس زین العابدین امیر افخم  
شهادت یافت.<sup>۱</sup>

۱۳- دکتر مورل در شعبان ۱۳۲۸ در انزلی رحلت فرمود.<sup>۲</sup>

۳- سومین صورتی که بدست آمد ، در آرشیو معتمدی نگهداری میشود . در  
این لیست اسامی شصت و هشت نفر با ژلاتین نوشته شده و گویا از ناظم الدوله دیبا  
به ایشان رسیده است . اسامی که در این صورت نوشته در سه لیست دیگر نیز هست .

۴- چهارمین صورت را علی مشیری محقق و عضو فعلی یکی از لژهای انگلستان  
در اختیار نویسنده گذارد . در این لیست تعداد کثیری از اعضاء لژ بیداری معرفی  
شده اند و فقط نام یک نفر ( میرزا یوسفخان وصالی متولد ۱۸۸۵ ) ( ۱۳۰۲ ) در آن  
آمده که در سه صورت دیگر نبوده است .

اینک اسامی فراموش نهادهای ایرانی ، مندرج در چهار لیست را به تفکیک عیناً  
نقل می کنم :

- 
- ۱- آقا سید جمال الدین واعظ پدر سید مجید علی جمال زاده از مشروطه خواهان  
معروف است که بدست طرفداران محمد علی شاه کشته شد .
- ۲- دکتر مرل فرانسوی طبیب دربار قاجاریه و شاعر ادگان بود ، یکبار رئیس لژ  
بیداری ایران شد و در انزلی فوت کرد .

تاریخ تولد که فقط در لیست معتمدی بوده	علی هشیری	معتمدی	حکیم الملک و اشراق	اسامی
	«	«	الح	الملک - میرزا حسنخان
	«	«	«	« - دکتر امیرخان
تهران ۱۲۹۹	«	«	«	« - خان - میرزاسید
۱۲۹۷	«	«	«	« - خان - حاجی
تهران ۱۳۰۰	«	«	«	« - حاجی سید
« ۱۳۰۶	«	«	«	« - علی خاقان
۱۸۶۵ بمبئی	«	«	«	«
تهران ۱۲۷۷	-	«	«	« - الملک - میرزا صادقخان
تهران ۱۲۹۶	-	«	«	« - حاج میرزا - آقا بیک زاده
تهران ۱۸۸۶	-	«	«	« - میرزا
سرتیپ قورخانه	-	«	«	« - خان - میرزاسید
« ۱۳۰۵	-	«	-	« - « - پنهانخان
« ۱۲۸۶	-	«	«	« - « - میرزا سید محمد خان
	-	-	«	« - « - حاج - بن آقا
وفات یافت	-	-	«	« - « - حاج میرزا علی
	-	-	«	« - « - میرزا نصراله خان
استفادادم	-	-	«	« - « - محمد تقیخان
	-	-	«	« - « - میرزا عیسی خان
	-	-	«	« - « - دکتر میرزا علیقلی خان
	«	-	«	« - « - میرزا محمد علیخان
	«	-	«	« - « - سید حسن
	-	-	«	« - « - حاج میرزا آقا فرشی
	-	-	«	« - « - حاج میرزا ابراهیم آقا



تاریخ تولد که فقط در آریست معمدی بوده	علی مشیری	معمدی	حکیم الملک و اشراق	اسامی
	-	-	«	تریت - میرزا محمدعلیخان
	«	«	«	ث : ثقت الملک - اسمعیل خان
	«	«	-	ج : جوادخان - میرزا موتمن الممالک
	«	«	«	جمال الدین واعظ - آقا سید
	«	«	«	ح : حکیم الملک - ابراهیم خان
	«	«	-	حسن خان - میرزا
	«	«	-	خ : خان خانها - حسنعلیخان
	«	-	«	د : دهخدا - میرزا علی اکبر
تهران ۱۲۹۲	«	-	«	دبیر مخصوص - میرزا حسنخان
« ۱۸۸۲	«	-	-	دقت الملک - محسن خان
« ۱۲۹۰	«	«	«	دبیر الملک - میرزا حسنخان
	-	-	«	دبیر حضور
	«	«	«	ذ : ذکاء الملک - میرزا محمدعلیخان
تهران ۱۳۸۵	«	«	«	ر : رضوان - سید نسراله تقوی
« ۱۳۸۹	«	«	«	رضای پوف - حاجی میرزا محمد پسر محمد باقر
« ۱۳۰۴	«	«	-	رجبعلی خان
« ۱۳۰۰	«	«	-	ریاضی - غلامحسین خان
	-	-	«	رئیس التجار - میرزا غلامرضا
	«	-	«	رضاخان - میرزا متشی وزارت خارجه
	-	-	«	رشتی - دکتر اسمعیل خان [مرزبان]

تاریخ تولد که فقط در لیست معمدی بوده	علی عشیری	معمدی	حکیم الملک واشراق	اسامی
۱۲۸۲ زنجان	•	•	•	۱ حاجی شیخ ابراهیم
۱۲۶۶ گرگانرود	•	-	•	۲ صدرالوزراء - میرزا حسن خان
۱۲۹۹ تهران	•	-	-	۳ دارامجد - نصرت‌اله خان
• ۱۲۸۱	•	•	•	۴ حاج - میرزا همایون
۱۲۸۷ محلات	•	•	•	۵ آقا - میرزا ابوالقاسم
۱۲۹۷	•	•	•	۶ حاج محمدعلی
• ۱۲۷۸	•	•	•	۷ دار بهادر بختیاری - جعفر قلیخان
از قرار بیان مسیویرنارد	•	•	•	۸ آقا ظفر - حاجی خسروخان
	-	-	•	۹ آقا اسد - حاجی علیقلی خان
	-	-	•	۱۰ آقا منصور - میرزا فتح‌اله خان
۱۲۹۷ تهران	•	•	•	۱۱ گروه الملک - حسینخان
۱۸۷۵ کرمان	•	•	•	۱۲ آقا - ارباب کیخسرو
۱۲۸۶ شیراز	•	•	•	۱۳ آقا - میرزا قاسم
۱۲۷۵ بیرجند	-	-	•	۱۴ شیخ الملک - محمد حسن
	-	-	•	۱۵ آقا السلطنه شاهزاده ملک منصوره میرزا
۱۲۷۳ تهران	•	-	•	۱۶ شیخ الدوله - مرآت‌ی قلیخان
۱۲۶۹ ساری	•	•	•	۱۷ محمدام السلطنه نجات‌قلیخان
	•	•	•	۱۸ صدرالممالک
	-	•	•	۱۹ صدرالعلماء خراسانی - آقا
				میرزا یعقوب
به رحمت ایزدی بیوت	•	-	•	۲۰ طبیب الملک - حسنعلیخان
	•	-	•	۲۱ طبیب الدوله - امان‌اله میرزا
۱۸۷۰ تهران	•	-	•	۲۲ طبیب الدوله - میرزا علیخان

تاریخ تولد کتف در لیست معتسدی بوده	تلی عشیری	معتسدی	حکیم الملک واشراقی	اسامی
۱۳۰۴ همدان	•	•	-	پ - میرزا محمد علیخان
	-	-	•	الف - دکتر حسینخان
۱۸۶۱ تهران (برحمت ایزدی پیوست)	•	-	•	الملک - میرزا فضل‌اله خان
۱۳۰۵ تبریز	•	-	•	الملک - دکتر سعیدخان
۱۲۹۹ تهران	•	•	•	ملکمی - دکتر
۱۲۹۷ رشت	•	•	-	الملک - میرزا عباسخان
	-	-	•	الملک - میرزا اسمعیل خان
	-	-	•	الممالک دوم - دکتر صالح خان
۱۲۹۶ خراسان	•	•	•	الملک - میرزا ابوالحسن خان
۱۲۹۷ تهران	•	•	•	الدوله - میرزا رضاخان
۱۲۹۱ تبریز	•	•	•	الدوله - اسمعیل خان
	•	•	•	الممالک - عباسقلیخان
تبریز	•	•	•	الدوله - میرزا حسنخان
۱۲۸۰ تهران	•	•	•	السلطنه - مهدی قلیخان
۱۲۷۷ تهران	•	•	•	الدوله - میرزا ابراهیم خان
۱۲۹۹ تبریز	•	•	•	دخان [جم] میرزا
	•	•	•	السلطنه
	•	•	-	رضا خان (منشی وزارت خارجه)
۱۲۹۳ تبریز	•	-	•	الدولت‌نهار - میرزا محسن
۱۸۲۰ تهران	•	-	•	بودخان - دکتر
• ۱۸۸۶	•	-	•	میرزا
• ۱۸۷۸	•	-	•	ساج السلطان - حاج میرزا عباس
۱۲۸۶ شیراز	•	-	•	میرزا
۱۸۷۲ تبریز	•	-	•	السلطنه - میرزا محمد علیخان
۱۲۹۲	•	-	•	منشی قلیخان
۱۸۶۸	-	•	•	میرزا پاس - یوسف
	-	-	•	عبدالسلطنه - میرزا ابوالحسن خان
	-	-	•	الدوله - میرزا صادقخان
	-	-	•	الدوله - حسینقلیخان

تاریخ تولد که فقط در لیست معتمدی بوده	علی مشیری	معتمدی	حکیم الملک و اشراق	اسامی
				ط :
۱۸۸۷ تهران	«	-	«	طباطبائی - میرزا سید محمد
	«	«	«	طباطبائی - میرزا سید محمد سادق
				ظ :
	-	-	«	ظهیرالسلطان - محمد ناصر خان
	«	«	«	ظهیرالدوله - میرزا علیخان صفاعلیشاه
	«	-	«	ظهیرالاعیان - مهدی خان
	-	-	«	ظل السلطان - شاهزاده سلطان مسعود میرزا
				ع :
۱۲۸۹ سقز	«	«	-	عز الملک - عزت اله خان
۱۲۹۲ تهران	«	«	-	عبدالاحکام - میرزا سید ابراهیم خان
« ۱۸۷۷	«	«	-	عابدیان - دکتر [پرتو اعظم]
۱۲۹۶ « مستخدم و امین از	«	«	«	عبدالرحیم - میرزا
« ۱۲۶۲	«	-	«	عبداله میرزا - عکاس
۱۲۸۸ تبریز	«	-	-	عبدالعظیم - حاجی میرزا آقا حسین زاده
۱۲۹۲ تهران (پر حمت ایزدی پیوست)	-	-	«	عمیدالسلطنه سردار طالش - نصراله خان
				غ :
۱۸۵۷ تهران	«	-	«	غفاری - محمد خان - کمال الملک
				ف :
	«	«	«	فروغی - میرزا ابوالحسن
۱۲۹۱ تهران	-	-	«	فهم الدوله مصطفی قلیخان پسر مخبر الدوله
				ق :
۱۲۹۴ تهران	«	«	«	قوام السلطنه - احمد خان
	«	-	«	قوام الدوله - میرزا محمد علی
۱۲۸۲ کاشان	«	-	«	قائمقام - میرزا مهدیخان
				ک :
۱۸۷۲ قم سلطنیه	«	-	-	کتابچی خان - پل
				کتابچی خان - ادوارد
گرفت خودریه	«	«	«	کاشف السلطنه - محمد میرزا

تاریخ تولد که فقط در لیست معتبری بوده	علی مشیری	معتبری	حکیم الملک واشرافی	اسامی
	-	-	«	مشاور الملک - میرزا محمودخان
	-	-	«	مستوفی الممالک - میرزا حسینخان
یرحمت ایزدی پیوست	-	-	«	میر الممالک - دوست محمدخان
	-	-	«	مهدی سیاسی - میرزا عباسخان
	-	-	«	مساعدا السلطنه
جامعهای ساخت	-	-	«	مفتقر الملک - حاج میرزا محسن
	-	-	«	موردا السلطنه - حاج میرزا صادقخان
				ن :
شیراز ۱۲۸۶	«	«	«	لواب - حسینقلیخان
۱۲۹۴	«	«	-	« عباسقلیخان
تهران ۱۲۹۳	«	«	«	اجم آبادی - آقامرضی
« ۱۲۸۹	«	«	«	ناظم الملوک - محمد تقیخان
کاشان ۱۲۹۳	«	«	«	لصر - دکتر ولی اله خان
تهریز ۱۲۸۷	«	-	«	ناظم السلطنه - میرزا موسی خان (۱)
			«	نصر الملک - حسنعلیخان پسر مخیرالدوله
			«	ناصر الملک - میرزا ابوالقاسم خان
			«	ندیم السلطان - میرزا محمد
				و :
تهران ۱۲۹۲	«	«	«	وثوق الدوله
شیراز ۱۸۸۵	«			وصالی - میرزا یوسفخان
				ه :
تهران ۱۲۸۸	«	«	«	هدایت - رضا قلیخان
« ۱۸۸۲	«	«	«	« دکتر کریمخان
« ۱۲۸۹	«	«	«	« هدایت قلیخان
				ی :
تهران ۱۸۵۶	«	-		زمین الملک

(۱) در لیست مشیری ناظم السلطنه است ولی لیست ادیب الممالک نظم السلطنه .

در لژ بیداری ایران هفده نفر خارجی نیز وجود داشتند که  
 اکثر تبعهٔ فرانسه بودند. از تطبیق چهار صورتی که از این لژ  
 بدست آمده اسامی خارجیان عضو لژ بدین شرح استخراج  
 میشود :

### حکیم الملک و اشراق مشیری معتمدی

»	»	»	لانس ویزیوز متولد ۱۸۷۱
»	»	-	پاتین جولین ۱۸۵۳ نیس
»	»	»	آلبرت جیمس ۱۸۷۵ لوند
»	»	-	گومبولت اندر ۱۸۸۵
»	»	-	آلفرد ادرین لوئیس ۱۸۸۶
»	-	»	بوئن
»	»	»	لکفر
»	»	»	ویبه
-	»	»	کمپیو
»	»	»	دکتر مورل - پل هنری
»	»	»	سکن <sup>۱</sup>
»	»	»	فراکیان <sup>۲</sup> دکتر الفرد (۱۸۸۳)
»	»	»	برنارد <sup>۳</sup>
»	»	»	پری
»	»	»	دومر نینسک

۱- مسیو سکن منشی سفارت روسیه تزاری در ایران بوده که در لیست معتمدی بنام (سوگون) با ژلاتین چاپ شده.

۲- در لیست مشیری بنام (فراستها) نوشته شده.

۳- ضامن ارتباطات لژ بیداری ایران با مرکز گراند اورپان پاریس و در واقع گرداننده اصلی لژ بیداری ایران بود.

دو نامی که در آخر این صورت ذکر شده فقط در لیست معتمدی می باشد و چون با ژلاتین است و واضح هم نوشته شده هم صحیح است و هم قابل اعتماد .

بموجب قوانین جهانی فراماسونری بعد از خاتمه جلسات رسمی يك صورت جلسه محافل ماسونی صورت مجلسی تنظیم میشود . و نسخه ای از آن بمراکزى که لژ تابع آن است ارسال میگردد . از لژیبداری ایران يك صندوق اسناد و مدارك باقی مانده بود که متأسفانه «خانم سیاح» همسر «همایون سیاح» همه آنها را آتش زد . همچنین ابراهیم حکیمی «حکیم‌الملک» تعدادی از این اسناد را که منعکس کننده عملیات و اقدامات لژ در ایام انقلاب مشروطیت ایران بود به دبیرخانه «گرانداوریان» پاریس برگردانید و شخصاً آرا تسلیم لژ نموده که قهراً به آنها دسترسی نیست . معذاسی و نه سند دیگر در ایران باقی مانده که از بین آنها صورت جلسه یکی از شب های تشکیل محفل که نمودار طرز کار لژ است عیناً نقل میشود .

صورت مذاکرات سه شنبه ششم محرم ۱۳۴۸ مطابق ۱۷ ژانویه ۱۹۱۰

صورت مذاکرات شب سه شنبه ۲۱ ذیحجه خواننده و پس از تصحیح قبول شد . چهار نفر از ب . ب . ب . دکتر امیرخان ناظم‌العلوم کاشف‌السلطنه عبدالله میرزا عذر حضور خواسته بودند و هر کدام تقدیم خیریه فرستاده بودند . و چندین ورقه دستورالعمل و تغییرات فصول قوانین ماسونی که در مدت تعطیل ل . ب . ب . ا . ب . از طرف شرق اعظم رسیده بود بجهت ب . ب . ب . قرائت و توضیح نمود . از جمله مطالبی که بر حسب این اختیارات جدید توضیح شد این بود برادرانی که حضور رسمی و مقرر کارخانه میشوند و منظمأ در جلسات حاضر نمیشوند مجبور به پرداخت وجه اشتراك سالیانه نخواهند بود و نیز مکنون یکی از اوراق این بود که فران ماسونی هر چند اساساً در کلیه مسائل قانونی و سیاسی مملکت با اجتماعات صرف وقت مینماید ولی

اینچنین وجه داخل مقاصد پولتیکی دسته شخصی و اشخاص نمیتواند و نباید شود. و نیز مسئله عمده که بر حسب این اوراق طرف میشود مسئله ارتباط و بستگی ل. ب. ب. با شرق اعظم فرانسه است که بر حسب این اوراق تقسیمات این کارخانه داخل تمام يك از آن تقسیمات میتواند بشود و مناسبات او با شرق اعظم بچه عنوان خواهد بود و مذاکره شد که در این خصوص توضیحات و کسب تکلیف از شرق اعظم فرانسه خواسته شود.

ب. ذکاء الملك بر حسب دعوت و مخصوصاً تأکيدات هیأت مشاوره شرق اعظم ارجاع به کتبان اسامی ب. ب. و مخفی داشتن اسرار ماسونی از اشخاص نامحرم به بتذویر میخواهند بعضی از آن رموز را از اهل طریقت در یابند برای برادران ترجمه نمود.

اختطار دیگر راجع به رأی هیئت مشاوره ماسونی این بود که بر حسب قانون استادها نیز میبایست پیش کمر به بندند و یکی از برادران اروپائی همین مسئله را مطرح نموده بود ولی چون عادت بر این جاری شده است که استادها حمایت میکنند حالاً نیز نظر بهمان عبارت استعمال پیش کمر بند را نمیتوان اجباری قرار داد بلکه استادها در استعمال حمایت و پیش کمر بند مختارند.

بر حسب تخمین در تمام لژهای تابع شرق اعظم فرانسه در سنه ۱۹۵۹ سه هزار بیست و یک نفر معرفی شده و از این عدد در همین سال ۲۴۰۰ نفر قبول شده اند و از طرف دیگر بواسطه ندادن وجه اشتراك ۶۳۰ نفر خارج شده اند و ملاحظه شرق اعظم در این خصوص این است که اگر از ابتدا در قبول اشخاص بیشتر دقت شود اولاً ۲۴۰۰ نفر از ۳۰۰۰ نفر میبایست قبول شود و ثانیاً ۶۳۰ نفر بواسطه ندادن وجه اشتراك خارج نمیشدند.

و نیز گراند اوربان اختطار کرده بود که کارخانجات مختلف باشند و به بعضی توقعات کمک و اعانه که از طرف بعضی مسافران و دوره گردان مستقیماً بآنها میشود اعتبار نکنند.

و نیز ورقه دیگر شرق اعظم راجع به قتل فررد اسپانیولی که از ماسونهای صدیق



بود در سال گذشته از طرف حکومت اسپانیول بیرحمانه بقتل رسیده شرق اعظم اظهار افسوس و اندوه خود را بهمه برادران و ماسونهای دنیا اظهار نمود .

ورقه دیگری راجع به وضع قوانین جدید و تفسیرات بعضی فصول قوانین ماسونی بود که از طرف شرق اعظم برای کارخانجات مختلفه در خصوص آنها خواسته بود از آنجمله این مسئله است که برحسب ترتیب هر ماسونی که ۱۵ سال عضو منظم کارخانه باشد یا اینکه ۲۵ سال در طریقه ماسونی ساعی و مجاهد بوده باشد میتواند عضو افتخاری آن کارخانه انتخاب شود یا نمیتواند . در این مورد مذاکرات شور قرار گردید برادران حسینقلیخان<sup>۱</sup> ولانس و یزیزوز در این خصوص در جلسه آینده توضیحاتی نوشته ارائه دهند .

و نیز بموجب تاکید شرق اعظم مقرر شده که برحسب ترتیب در يك جلسه و يك شب بیش از ۵ نفر بیگانه در کارخانه قبول نکنند و جلسات تجدید شود .

ورقه دیگر محتوی چند فقره تحقیق بود که بعضی از آنها راجع باروپ و خارج از وقت کارخانه ماست ولی يك مسئله آن که راجع بتحقیقات در خصوص عقاید و اخلاق جمعی است از روی موازین علمی و عرفی اند نه مذهبی چون خیلی عمده و محل توجه است اظهار شد که کارخانه ما نیز در این باب صرف همت نماید قرار شد ب . لانس در این خصوص راپورتنی نوشته و اظهار دارد تا برادران رأی خود را بدهند .

ب . لانس ادیب السلطنه لایحه راجع به ماسونی حاضر کرده بود قرار شد در جلسه آینده قرائت شود و یادآوری نمود که از تکالیف ماسونی است . برای برادرانی که از میان میروند مخصوصاً وقتی که منشاء پروژات ماسونی شده باشند جلسه عزاداری مخصوصاً برای آنها به آئین ماسونی بعمل آید و ابتدا قرار شد برای ب . لانس مرحوم آقا سید جمال در جلسه ۱۵ روز بعد نطقی و تذکره بعمل آید و نیز برای حاجی میرزا ابولقاسم آقا نیز همین رسم معمول شود که همه برادران باتفاق رأی دادند .

در خصوص قرر ب . لانس آقا سید میرزا محمد صادق همین پیشنهاد را نمود ولی چون این اسم مخصوص اعضای هر کارخانه است ب . لانس همینقدر مناسب دانست که

۱- حسینقلیخان نواب تبه انگلیس و وزیر خارجه و سلمبر ایران در برلن .

برجسته حالی از او در شب معهود ایراد شود و اینکار برای شب دیگر معین شد و خود او ائمه آن نطق را قبول کرد . بجهت نطق راجع به آقا سیدجمال و حاجی میرزا آقا حسین خواهرش و . . . ب . . . حکیم‌الملک مأمور شد از ب . . . تقی‌زاده و آقا سید نصراله خواهرش کنند هر کدام نطقی برای یکی از آنها حاضر کنند . ب . . . عباسقلیخان یادآوری نمود که چون عده برادران کم است مناسب است بعضی اشخاص صحیح که لایق مقام هستند داخل شوند . دکتر علی‌خان که در پاریس داخل طریقه شده بود کاغذ توسط . . . حکیم‌الملک به و . . . نوشته خواهرش کرده بود که عضو مقرر قبول شود . ب . . . پیرالملک در خصوص آقا سید محمد رضا که سابق به ل . . . اظهار شده بود یادآوری نمود معول به تحقیق در جلسه بعد شد .

کیسه اظهارات و کیسه اعانه به برادران عرضه شد در کیسه اظهار يك رقعہ بدست آمد ب . . . ادیب‌السلطنه ترفیع درجه رفاقت تمنا کرده بود . در کیسه خیریه چهارده قران و هشت شاهی جمع شده بود که بامین خیریه تحویل گردید .

از نخستین روزیکه «لژ تهران» بنا به اجازه مرکز «گراند لژ معبد لژ تهران و شرق اعظم» در تهران تشکیل شد ، بموجب آئین قدیمی ماسونها تشریفات و درجات محل آن مخفی ماند و چون تاکنون کتاب و نشریه‌ای در این باره منتشر نشده در باره نخستین محل مرکز ماسونها هیچگونه اطلاعی که مستند بسند و مدرک باشد در دست نیست ولی بطوریکه يك ماسون قدیمی به نویسنده گفت : « شاید اولین لژ در تهران در باریک شعاع السلطنه تشکیل شده است . به موجب اظهار همین ماسون : « در زیر زمینهای پارک مزبور ، چند اطاق و راهروییج در بیچ مخصوص آزمایشهای اولیه بود که با شله‌های قرمز و شمشیر و سلاحهای مختلف دست و پای مرده مزین شده بود .

در آخرین اطاق که به تالار وصل بود در روی يك میز يك اسکلت مرده با شمشیر

و قرآن باز بود و تازه وارد پس از ادای سوگند وارد تالار که بشکل معابد ماسونی بود، میشد.

علاوه بر این دو محل بطوریکه ماسونها می گویند « يك محل دیگر که باید آنرا (محل رسمی لژ تهران) نامید نیز وجود داشت که بالا خانه‌ای در منتهی‌الیه خیابان لالهزار جنوبی بوده و اکنون معازنه زنبور عسل در زیر آن واقع شده و بچهار راه مخبرالدوله متصل می شود»<sup>۱</sup>

پس از اینکه لژ بیداری ایران بطور رسمی و با حضور نماینده گرانداوریان فرانسه تشکیل شد، آنرا به محل جدیدی واقع در کوچه اجلال‌الدوله خیابان فعلی اکباتان منتقل کردند.<sup>۲</sup>

پس از استقرار مشروطیت و توسعه نفوذ لژ تهران محل اثر به خانقاه ظهیرالدوله (محل) که هم اکنون انجمن اخوت ساخته شده روبروی در بزرگ ساختمان بانک ملی در خیابان فردوسی) منتقل گردید.

روزی که مجلس شورای ملی بوسیله محمد علی‌شاه بتوب بسته شد و خانقاه و خانه ظهیرالدوله هم بوسیله سربازان ویران گردید، اسناد لژ تهران مدتی در سفارت فرانسه در تهران بود و پس از خلع محمد علی‌شاه به محل دیگری که در خیابان قوام‌السلطنه کوچه ارباب کیمخسرو بود منتقل شد. این محل پس از وقایع شهریور به مالکیت رسمی فراماسونری تهران درآمد.<sup>۳</sup>

فراماسونهای ایران مطابق دستورات و قواعد بین‌المللی، برای درجات و مقامات اعضای خود درجات و تشریفات و مقامات خاصی قائل شدند که و تشریفات عیناً شبیه تشریفات معابد و لژهای ماسونی فرانسه در جهان بود.

ماسونهای ایران به رئیس خود « برادر ارجمند » می گفتند. رونویس کننده

۱- مجلهٔ یفما سال سیزدهم ص ۵۲۸

۲- نامهٔ دبیر کل گرانداوریان به نویسنده.

۳- مجلهٔ یفما ص ۴۸ سال سیزدهم ص ۵۲۸

رسالة خطی آئین ماسونی در این باره چنین می نویسد :

«... در سنه ۶۲۰ میلادی چون جماعات فراماسونیان اهتمام کامل در ترویج شرایع دین بجا آورده و مرکز اجتماعات خود را در معابد و کنایس قرار می دادند لهذا برادران ف. ب. [فراماسونی] رئیس انجمن خود را او. ب. (V. ب.) خطاب کردند که بمعنی (محترم) باشد و ما در ل. ب. ب. ا. این کلمه را به لفظ Arijamind (ارجمند) تفسیر کردیم.»<sup>۱</sup>

سایر درجات ماسونی بر طبق اشارات و کلماتی که ادیب الممالک در منظومه آئین فراماسونری بکار برده و همچنین در نظامنامه و آئین لژ بیداری ایران آمده به این شرح است :

- |                        |                |
|------------------------|----------------|
| ۱- رئیس                | ۸- دبیر        |
| ۲- خطیب                | ۹- مبصر        |
| ۳- مهماندار            | ۱۰- نگهبان     |
| ۴- امین                | ۱۱- رفیق       |
| ۵- ممیز                | ۱۲- رفیق ستوده |
| ۶- معمار               | ۱۳- ناطق       |
| ۷- برادر کاخدار ماسونی |                |

علاوه بر این در نظامنامه خصوصی لژ بیداری ایران اسامی دیگری به این شرح بکار برده شده:<sup>۲</sup>

- |                   |                  |
|-------------------|------------------|
| ۱- برادران بیگانه | ۵- سالاران       |
| ۲- ارجمند         | ۶- اعضاء افتخاری |
| ۳- برادران        | ۷- اعضاء رسمی    |
| ۴- یاران          |                  |

۱- رسالة خطی ادیب الممالک ص ۹۳.

۲- رجوع شود به نظامنامه خصوصی همین فصل.

در ترجمه قانون اساسی گرانداوریان به فارسی درجات و القاب اداره کنندگان لژی ماسونی ایران را که فروغی ، تقوی و بدرآ را ترجمه کرده اند ، به این شرح نامیده اند :

- |                     |                            |
|---------------------|----------------------------|
| ۱- برادر ارجمند     | ۹- کتابدار و دفتردار       |
| ۲- نگهبان اول و دوم | ۱۰- رئیس اول و دوم تشریفات |
| ۳- خطیب             | ۱۱- معمار                  |
| ۴- نویسنده          | ۱۲- ممیز دوم و سوم         |
| ۵- ممیز بزرگ        | ۱۳- دربان                  |
| ۶- خزانه دار        | ۱۴- خواستار                |
| ۷- امین خیریه       | ۱۵- بیرقدار                |
| ۸- مهربار           |                            |

پنج نفر اول که در اصطلاح ماسونی به (سالاران پنجگانه) معروف هستند بنام و عنوان خاصی «چراغ دار» نامیده میشوند .

تشریفات داخلی در داخل محفل و معبد لژیبنداری ایران تشریفاتی وجود داشته که شبیه معابد ماسونی درجه دوم گرانداوریان درجهان بوده است . اداره کنندگان این لژ هفت ماسون بودند که همیشه سه نفرشان استاد بشمار میرفتند و درجات و مقامات کسانی که کرسی لژ را اداره میکردند بدین شرح بود :

يك رئیس

دو مبصر

يك دبیر

يك ناطق

يك امین یا خزانه دار

يك نگهبان

در عرف فراماسونی گرانداوریان در شهرهایی که سه نفر ماسون وجود داشته «محفل ساده» و یا «محفل هادی» تشکیل میشود . ولی در نقاطی که هفت ماسون و بیشتر

وجود دارند محفل درجه دوم تأسیس می گردد. در لژ نیداری هنگام ورود اعضا به لژ افراد جدید یا تازه واردین با این اشخاص روبرو میشوند :

نگهبان - رفیق استاد.

اشارات و علائمی که در لژ مذکور بکار برده میشود :

(علامت رمز و اشاره - لمس - حرکت دست ها) بود .

تزیینات داخلی لژ عبارت از :

گونیا - شاقول - برگار - خطکش - دوگوی آتشین و ستونهایی که بر بالای آنها  
 علامتهای نصب بوده و مخصوصاً «چشم خدا» بود .<sup>۱</sup>

مرحومین ادیب الممالک فرامانی و کاشف السلطنه در اوراقی که از خود باقی  
 گذارده اند واصل آنها در اختیار نویسنده است ، اعمال و افعال و رموز و دستورات لژ  
 نیداری ایران را بدین شرح بیان می کنند :

علامت و رمز مخصوصی که استاد بشاگردش یاد میدهد فقط باید بخود او گفت و  
 اگر کسی غیر از او باشد ، ماسن حق ابراز رمز ندارد ، اگر چه سرش را از دست بدهد.  
 «لیک سربکس بدهد» اگر بیکانه بی اصرار در افشاء رمز کند دست راست را بشکل گونیا  
 بزیر گلو می کنند . این علامت آن است که اگر سرم را بزند ، اسرارم افشاء نمیکنم .  
 هنگامیکه یک بیکانه وارد لژ ماسونی شده و بعضویت قبول میشود او را در  
 قبری تنها میگذارند . این عمل برای آن است که در آن مکان خلوت ماسون بر نفس  
 خویش غالب آید و مثل یوسف از چاه بیرون بیاید .

هریک از ماسونها وقتی بخواهند وارد معبد ماسونی بشوند باید هرگونه فلزی  
 را از خود دور کنند و اولین باریمه عریان وارد لژ میشوند . بدین ترتیب که قسمتی از

۱ - فراماسونها در داخل يك مثلث يك چشم نقاشی میکنند و آنرا بدیوار معابد خود  
 آویزان مینمایند . این چشم را ، چشم خدا مینامند . در بعضی از لژها بجای چشم حروف  
 G که اول اسم خدا بزبان انگلیسی است نصب میکنند . این چشم اشاره باین است که معمار  
 بزنگه همیشه ناظر اعمال شماست .

سینه و شکم برهنه شده و پاچه راست شلوار تا بالای زانوی کشیده شده و از زانو تا کف پا برهنه خواهد بود و کفش پای چپ نیز از پا بیرون میکشند. از فاصله در معبد تا محراب سه بار دق الباب می کنند. معنی این سه بار دق الباب این است که :

اول - بخوان تا بتوبه بندی .

دوم - بجوئید تا بیابید .

سوم - درزید تا باز کنید، اگر در نگویند ، در بروی تو می بندند.

این سه شعار اشاره به گفته پیغمبر (ص) است که میفرماید:

من طلب شیئی وجد، وجد - ومن قرع باباً ولج، ولج .

(کسیکه چیزی را بجوید و بکوشد آنرا بیابد و کسیکه دری بگوید و یا فشاری کند آن در باز خواهد شد).

گفت پیغمبر که گر گویی دری عاقبت زان در برون آید سری

ادیب الممالک در منظومه خود ، چند بار اشاره بعدد ۳ کرده و از (سه بار دق الباب) و (سه سفر) و (سه مرحله) که یادآور سه شعار اصلی ماسونها «آزادی - برابری - برادری» است ایاتی سروده است ..

بطوریکه از ایات او مستفاد میشود و همچنین از تعلیمات و سنتهای متداول این فرقه پیدا است عدد ۳ نزد آنان بسیار پر معنی و رموز است و راه بجایهای دور و درازی دارد.

ادیب الممالک ریشه این عدد را در همه ادیان و مذاهب و فرق عالم دانسته و حتی اساس خلقت را برین عدد میداند، منتهی عدد يك را مبنا می شمارد که همان «احد» و «ذات احدیت» باشد و باقی اعداد را تکرار آن میداند. بعد در ملت ها و مذاهب

دببال این عدد که بنظر او میناست میگردد و می گوید : هندوان سه ادراک داشته اند «خلقت - حیات - هلاک» و مصریان در «مثلث منشور» شان سه صنم مظهر نور «هرمخیس -

دع - توم» داشته اند و عیسویان به سه «اقنوم» معتقدند «آب - ابن روح القدس» او سپس

اشاره بدین اسلام و شریعت ما کرده پایه دادگری را با سه اصل «برابری - آزادی -

برادری» تطبیق میکند. ادیب الممالک سه بنیاد اخلاقی و اساسی زرتشت نیز «گفتار -

گردار- پندار» يك، اشاره‌ای به اصل فراماسونها دانسته است. اگر برآه خطا نرفته باشیم باید گفت: آنچه را که از درمنظومه اش ذکر کرده، از استدلالات شعریت و میناوسند تاریخی و علمی ندارد.

ادبب الممالک سپس داخل معبد فراماسونی لژ بیداری ایران را تشریح کرده میگوید داخل «معبد سلیمان» ، مانند درخت ایمان راست است ، داخل معبد ما نیز چنین است. ستون راست «یاکین» و ستون چپ بنام «بوعز» است و دریای این ستونها ، سازنده معبد مزدکارگران را میداده ، در معبد تهران نیز دو ستون است که حرف «Z» در پای ستونها نوشته شده و این حرف ؛ رمز بوجود آوردن ، خلق کردن و مرکز کار است .

لژ تهران طولش از شرق به مغرب و عرض آن از شمال به جنوب و در ورودی در مغرب کار گذاشته شده. ساختن معبد به این شکل اشاره به نفوذ در مشرق و غرب عالم است . در معابد فراماسونری خطی از وسط معبد میگذرد و این خط تقلیدی از خط معبر معبد سلیمان است که با خط استوا برابر بوده . و در داخل معبدها سه ستون است که علامت دانائی - توانائی و زیبایی است . این سه ستون مظهر آفتاب ، ماه و زهره است . سه ستون مزبور سه مظهر صنعت ایجاد عالم بوسیله « دانائی و قرزائیگی » است که « توانائی » آنرا کامل میکند .

فراماسونها برای پذیرفتن عضو جدید، از روز نخست مقررات تشریفات قبول ورود شدیدی داشتند و همواره سعی می کردند که در انتخاب اعضاء عضو جدید بیدار و مراقب باشند. پنج سال پس از تأسیس لژ بیداری ایران در تهران مرکز فراماسونی پاریس این دستور را برای استاد اعظم لژ تهران فرستاد که او نیز ترجمه آنرا بوسیله ژلانیس تکثیر نموده و بین اعضاء توزیع کرد<sup>۱</sup>.

۱- این تشریح لژ بیداری ایران از مجموعه‌های استاد حکیم‌الملک (حکیمی) و کاشف‌السلطنه نقل شده است.





ما این است که در آزمایش و قبول بیگانگان یا برادرانی که می‌خواهند مجدداً در ماسوئری داخل شوند دقت و سختگیری معقولی بکار رود. هر گاه عدم ما قلیل باشد ضرری ندارد ما همقطاران خود را باید با کمال دقت انتخاب کنیم هر سال مجبور می‌شویم اسامی بسیاری از برادران خودمان را محو کنیم و این باعث تأسف و از طرفی نیز موجب اشتیاق ما بوقوع دقت در قبول بیگانگان است علاوه بر این توقف در درجه اول بقدر کفایت طولانی است برای اینکه قبل از اعطای درجه دویم و سیم به ب. ب. ل. ب. آنان را بخوبی شناخته باشیم. پایه استادی نباید داد مگر به آنانکه صمیمی و بااستقامتند. باید ما بین اعضای خود همبستگی حقیقی برقرار بکنیم تا این همبستگی که نزد برادرانی که با مشاغل و مناصب دولتی می‌رسند باعث شود که در حال و عقیده اولیه خود باقی بمانند.

فرد اول ژانویه ۱۸۹۴ نوشته شده است :

لازم است دائماً بخاطر داشته باشیم که تمام آداب و رسمی که قوانین ما درباره همسر بیگانگان اختیار نموده برای این مدت است که هر کس درباره داوطلبان تحصیل اطلاع بتواند کرد و از روی بصیرت رأی بدهد بواسطه مسامحه در آن تعلیمات مفیده غالباً اشخاص داخل طریقت ما شده‌اند که بهتر آن بود از آن طریقت دور باشند و قایع ناگواری که گاهی اوقات در کارخانه‌های ما واقع میشود عموماً ناشی از این است که بعضی از اجزاء کارخانه‌ها بواسطه مسامحه در آنجا وارد شده‌اند .

نصایح و توصیه‌های فوق که شورای طریقت مقرر نموده است بیفایده نبوده زیرا که بسیاری از ماسوئرها را آگاه ساخته است بر خطری که ممکن است متوجه کلیه طریقت ما بشود . بواسطه خطر لرها که کمیت اعضاء را بر کیفیت آنها ترجیح دهند و مجمع ۱۹۱۱ - این حال را از روی تکرانی نظر کرده است زیرا که اراء سابق الذکر را بدون مباحثه اختیار نموده است مسئله اکنون بدرستی طرح شده حالا باید دید راه عمران کدام است . بنظر ما مقصود مجمع عمومی این نبوده است که ما تعلیمات و دلالت‌های جدیدی بشما توصیه بنمائیم برای اینکه اعضاء تازه که اختیار می‌کنند بی‌عیب باشد بلکه نیت مجمع این بوده است که هر لژی را چاره دودی را که ممکن است عارض

شده باشد تفتیش کند. اولاً مناسب است حال معرفین بیگانگان را در نظر آوریم و معلوم کنیم که قبل از قبول مسئولیت وارد کردن عضو جدیدی چه باید رعایت کند و چه وسایل اطمینانی باید در این باب در دست باشد. آنگاه باید تکلیف ارجمنده را در تعیین مفتشین معلوم کرد.

پس از آن باموریتی را که مفتشین داده میشود باید تصریح نموده و دانست که برای تسهیل کار آنها چه نوع نصایح و سفارشات باید به آنها کرد و خوب است بنخاطر داشته باشیم که مسئله تفتیش جزء این موضوع است که کمال مراقبت را در آن باب باید داشت زیرا که خوبی و بدی اعضای جدید بیشتر راجع به حسن تفتیش است بالاخره باید مسئولیتی را که در تعیین قابلیت داوطلب و رأی قطعی بر قبول او بر عهده خود اثر وارد میشود بنظر در آورد.

در اشارات فوق مقصود این نیست که تحقیقات شما را محدود کنیم چه آنها فقط جزء مختصری است از مسئله مهمی که مطرح شده است برعکس کمال آرزو را داریم که شما دایره تحقیقات خود را بسط دهید و امیدواریم که تحقیقاتی که کارخانه‌ها خواهند کرد حاوی تعلیمات و اشارات م. م. خواهد بود که بعد تمام هیئت ما از آن منتفع خواهند شد.

فراماسونها مطابق قواعد و آداب و رسوم که از قدیم آنرا حفظ آزمایشات حضوری کرده‌اند برای پذیرفتن عضو جدید، علاوه بر امتحانات متعددی **و لغظی** که در داخل لژ مینمایند چند جلسه سؤال و جواب نیز داشته و دارند که از طرف رئیس «ارجمنده» از تازه وارد بعمل می‌آید.

در لژ بیداری ایران نیز امتحانات شفاهی انجام میگرفت و سؤال و جوابهایی که قبلاً چاپ شده بود در اختیار تازه واردین می‌گذاشتند. عین این سئوالات به نقل از نشریه

لزبیداری ایران چنین است<sup>۱</sup>:

س - اسباب ارتباط ما چه چیز است ؟

ج - فی . . . است .

س - فی . . . چیست ؟

ج - دایره اتفاق و اتحادی است که باعضای خود علم تفکر را می آموزد .

س - آیا شما م . . . هستید ؟

ج - برادران من مرا به این صفت می شناسند .

س - چرا اینطور جواب می دهید ؟

ج - برای اینکه یکنفر شاگرد باید بخود اعتماد نکند و برحذر باشد از اینکه

قبل از تصدیق برادران بر صحت خود حکم کند .

س - م . . . چگونه کسی است ؟

ج - کسی است که تولد شده باشد به آزادی و دارای اخلاق حمیده باشد و فنی

و فقیر را مثل هم دوست بدارد و باید با تقوی باشد .

س - تولد به آزادی و داشتن اخلاق پسندیده چیست ؟

ج - ولادت به آزادی آن است که انسان از عالم رذائل رحلت کرده بواسطه

هدایت در این مقام خود را دارای حیات با سعادت تازه مشاهده نماید .

برای اینکه دارای اخلاق پسندیده شود باید عدالت و حقیقت را بر همه چیز

مرجیح دهد، و افعال خود را باین امور مطابقت نماید .

س - چرا میگوئیم م . . . باید غنی و فقیر را که با تقوی باشند با سویه دوست بدارد ؟

ج - برای اینکه م . . . حقیقی باید قدر و فضیلت انسانی را بواسطه اخلاق او

گرامی بدارد . سرمایه عقلانی اکتسابی یا دولتهای ظاهری که بکار می بریم . اینها همه

خارجی هستند . قسمت مشخص باین چیزی است که همیشه با اوست آن ثبات و عزمی

۱ - از اسناد خصوصی حسین یزدانیان محقق جوان، با تشکر فراوان مورد استفاده

است که در اینان بامور حسنه بکار میبرد .

س - تکلیفم . چیست ؟

ج - گریختن از رذائل و بکار بردن فضائل .

س - فضائل را چگونه بکار باید برد ؟

ج - در دائمی پرداختن بوظایف می .

س - این وظایف کدامند ؟

ج - کار بزرگ می . ساختمان جهان است سعادت آخری بنیاد ترقی عالمان

است با تمامی قوای فاعله و عامه انسانی .

س - م . باید بچه کار سعی کند ؟

ج - باید خود را بطوری منشاء آثار و فواید عامه کند که نتایج اعمال خیریه

او در همه جا و همه کس لاینقطع عاید شود .

س - شما در کجا به می . پذیرفته شده اید ؟

ج - در يك ل . عادل کاملی .

س - ل . چگونه عادل و کامل میشود ؟

ج - (۳) او را نظم میدهد (۵) روشن مینماید (۷) عادل و کامل میکند .

س - این جواب را تفسیر کنید .

ج - آن (۳) عبارتست این سه آرگان با پنج چراغ ل . هستند ولی اقلا . . . .

عضو جمع باشد تا بتوانند از روی اصول صحیح و آردین تازه را پذیرائی کنند .

از این اعضا اقلا باید سه تن دارای رتبه استادی باشد و دو نفر دارای رتبه رفاقت . سه نفر

از ماسن که اقلا یکی از آنها استاد باشد يك ل . ساده را که فقط لایق مشورت باشد

میتواند تشکیل کند . از اجتماع ۵ نفر م . که سه نفرشان استاد و یکی رفیق باشد

ل . عادل تشکیل میشود و این ل . میتواند قضاوت و محاکمه نماید بالاخره ل .

کامل مرکب است از (۷) عضو چنانکه در فوق ذکر شد و فقط دارای حکومت مطلقه

می . میشود .

س - چند وقت است که شما ... هستید ؟

ج - از وقتی که بردشائی رسیدم .

س - این جواب چه معنی دارد ؟

ج - حقیقتاً ... نمی‌شویم مگر در آنوقتیکه عقلمان بحقایق می ... گشوده شود .

س - بچه بشناسیم که شما ... هستید ؟

ج - بعلا مات و اقوال و لمس .

این جواب را توجیه کنید ؟

ج - بلكم ... از رفتار منصفانه و صادقانه و بگفتار صدق و حق . و بالاخره

اقدامات برادرانه و همدستی در تعهدات جانی و مالی (لز) خود را می‌شناساند .

س - علامت می ... را نشان بدهید ؟

ج - علامت را نشان می‌دهد .

س - یعنی ترجیح می‌دهم که هم ... بندهم ... که بمن سپرده ... نکنم .

س - کلمه رمز دخول چیست ؟

ج - (در اینجا بایستی رمز تفهیم شده بکار برده شود)

س - مفهوم این کلمه چیست ؟

ج - موافق تورات این کلمه اسم اول کسی است که طریق حدادی و استعمال

ظلمات را منکشف نمود .

س - ل ... چیست ؟

ج - ل ... مقام است .

س - چرا م ... ها کارهای خود را با اشاره و حروف انجام می‌دهند ؟

ج - به این دلیل که تمام قوای عامه که باید در خارج منشاء اثر و نتیجه شوند

لازم است . که نخست در یکجا مجتمع و متراکم گردند تا پس از آن که بواسطه فشار

و تراکم قوت و قدرت عاملیت آنها باعلی درجه رسید آنوقت بطوری به خارج منبسط

شوند که هیچ مانعی با آنها مقاومت نتواند کرد .

س.م .°. را بچه میتوان تشبیه کرد ؟

ج. - بیک سلول اجسام آلی و خاصیت تغذیه مرغ که در اندرون خود موجودی را که منشاء قوه و اثر است پرورانده پس از رسیدن و تکمیل خارج میکنند همین مغز کلمه انسانی به منزله کارخانه پوشیده مستوری است که بتوان آنرا مظهر [ بیک کلمه خوانده نشد ] غیر منتهای عالم امکان فرض کرد .

س. - در صورتیکه افعال می .°. در محل غیر محفوظی جاری شوند آنرا بچه اصطلاح و عبارت بیان میکنند ؟

ج. - از این اصطلاح و عبارت م .°. ها ملتفت میشوند که مقام ایشان محفوظ نیست و اقوال و افعال ایشان را ممکن است که اشخاص خارجی دریابند .

س. - تکمیلان و قوائم .°. شما کدامند ؟

ج. - سه قائمه فرزانهگی .°. توانائی .°. زیبایی .°. که نماینده و مظهر آنها ( پیر . و سزابل ) و دو ( سورویان ) او میباشد .

س. - چگونه این سه قائمه .°. و مجازی تکمیلان ل .°. یا عبارت آخری ریاست اعمال موحد م .°. ها را بعهده میگیرند ؟

ج. - فرزانهگی .°. پدیدار میکند توانائی .°. انجام میدهد ، زیبایی .°. آرایش می نماید .

س. - چه شمارا واداشت که طریقه می .°. را اختیار کنید ؟

ج. - تیره گی - نادانی - طلب نور بینش و آگاهی .

س. - بچه هیئت محرم اسرار می .°. شدید ؟

ج. - بهیشتی که به برهنه بودم و نه مستور و وضعی میان این دو حال داشته و هیچ نوع فلزی همراه من نبود .

س. - نکته عرفان این هیئت را بیان کنید ؟

ج. - علامت آن است که شخص محرم باید با صداقت و اعتماد کامل در حضور

برادران طریقت خود حاضر شود .

س - و آن می‌رساند فروتنی و خضوع را که در طلب حقیقت باید بخود هموار نماید .

ج - و آن علامت است از اینکه از نزدیکی عمل و مقام مقدس شخص محرم باید

لازمه ادب و احترام را بجای آورد .

س - و آن کنایه است از بی طمع و تجرد و اینکه باید در مقام نیل مراتب تکمیل

بی مضائقه و درینغ خود را از دوا بر هضه دور نماید .

س - بچه ترتیب اجازه دخول در ل . . . حاصل گردید ؟

ج - ... دق الباب

س - دق الباب کنایه از چیست ؟

ج - بطلب تا بتو بدهند . جستجوکن تا بیایی . در بکوب تا برویت باز کنند .

س - بعد از دخول در معبد بشما چه روی داد ؟

ج - پس از امتحانات متعدده با تصویب برادران م . ل . . . همراه می . . . پذیرفت .

س - این امتحانات کدامند و حکمت آنها چیست ؟

ج - این امتحانات مشتمل بر سه مسافرت و حکمت آنها هدایت هن بود به سپردن

شاهراه اصلی در طلب حقیقت .

س - بعد از تحمل آزمایش دیگر چه کردی ؟

ج - پیمان بستم و سوگند یاد کردم که اسرار طریقه را پنهان دارم در هر زمان

و هر حال اطاعت احکام طریقه را با راستی و دوستی تمام بکار بندم .

س - در چه ساعت م . . . ها کارهای خود را افتتاح می‌نمایند

ج - بر حسب استفاده و کنایه به کارهای م . . . ها در وقت شروع و در ساعت ...

الجمام می‌گیرد .

س - این ساعات استعاری و کنایتی یعنی چه ؟

ج - این ساعات کنایه از آن است که انسان قبل از آنکه وجودش منشاء اثری

بشود نیمه زندگانی خود (یا روزگار خود را) می‌پیماید ولی ازین سه بعد تا آخر عمر



بدون درنگ بتدارك ایام گذشته بکشوند .

سعی نمایند که آمایش و رفاهیت و خوشبختی ابنای جنس بشر را باندازه‌ئی که مقدور است فراهم نمایند .

س - این که م. . . ها قبل از شروع بکار عادتاً وقت را می‌پرسند چه حکمت دارد ؟  
 ج - این سؤال کنایه این نکته است که برای آنکه قوه و توانائی شخص با فایده و نتیجه به‌صرف برسد باید بموقع و بجا باشد و دسترسی و وصول بترقی ممکن نمی‌شود مگر بوقت و ساعات مناسب پس برای اقدام بهر کار خیلی اهمیت دارد که تشخیص موقع مناسب مساعد را غنیمت شمارد و بپرهیزد از اینکه دیرتر از موقع یا زودتر از موقع مناسب بهر کار دست به آن کار زند که هر دو صورت موجب پشیمانی و ناکامی خواهد بود .

س - سن شما چیست ؟

ج - ... سال .

س - این چه معنی دارد ؟

ج - چون از م. . . طریقۀ او را سؤال کنند در واقع طریقۀ او را پرسیده‌اند و چون شاگرد م. . . در ابتدای کار باید سعی کند که به سه ( . . ) عدد اول واقف شود پس سنین عمر اول . . . . سال است .

س - از تأمل و تفکر در خصوص کشف خواص عدد ( . . ) چه نتیجه حاصل گردید ؟  
 ج - معلوم کردم که هر چیزی ( . . ) است زیرا که افراد جزوی هستند از یک کل که شامل . . . و خارج نیست .

س - از تأمل در حقیقت و کیفیت ( . . ) چه استنباط کردید ؟

ج - معلوم کردم که بواسطۀ حضور ادراک انسان بلفظ ( . . ) یعنی شیئی غیر محدود را می‌خواهد محدود نماید . بنابراین ( . . ) واقع می‌شود ما بین دو غایت بی‌اصل موهوم که فقط الفاظ ظاهره مصنوعه صورت وجود به آن می‌دهند .

چنین استنباط می‌شود که مظهر یا تمثال مجسم هستی یا حقیقت در عالم خارج

هدد (۱) است.

س - چرا ؟

ج - بعلمت اینکه هستی یا (موجود) در نظر ثالث حد واسطه ایست که ریاست متصله بر آن صدق مینماید یا در آن جلوه گر می شوند .

فراماسونها هنگامی که جلسات رسمی خود را تشکیل می دهند ، اغلب سخنرانیهای در باره مسائل اجتماعی و سیاسی نیز تهران و مرا می ایراد مینمایند . اکثر سخنرانیها سری است و پس از اینکه چاپ و توزیع می شود فقط به نظراعضاء لزمی رسد ، بهمین جهت تا کنون هیچ کس غیر از خود ماسونها نتوانستند از مضمون آنها مطلع شوند . از بین ۱۵ رساله ای که جمع آوری شده یکی از آنها را که مسیولاتس و نیز یوز رئیس مدرسه الیسانس بفرانسه نوشته و پس از ترجمه در یکی از جلسات لژ بیداری ایران خوانده شده عیناً نقل می نمائیم . مقدمه این رساله که عین آن در اختیار نگارنده است و به خط ادیب الممالک می باشد چنین نوشته شده :

« این رساله را ب . . مسیولاتس و نیز یوز در ل . . ب . . آ . . ب . . بفرانسه  
الشااه کرده و ب . . وثوق الدوله آن را به فارسی ترجمه کرده و ب . . دبیر الممالک  
بطلبع ژلاتینی مطبوع نموده و به عموم ب . . ن [ برادران ] متحد م . . تقسیم شده به تاریخ  
سه شنبه هفتم شهر جمادی الاول ۱۳۲۹ مطابق ۱۶ جوزاء .

تعاون م فی . .

ب - عزیز من

این قاعده در میان ما معمول شده است که در جلساتی که ب . . ن تازه در معبد  
قبول میشوند یکی از اعضاء کا . . نه [ کابینه ] برای ارشاد و تکمیل ملکات اخلاقی  
ب . . ن نکته از نکات طریقه م . . بی را شرح و تفسیر کنند و دیگر برادران اصفاء  
نمایند .

۱ - ب : بمعنی برادر .

۲ و ۳ و ۴ ل . . ب . . ا . . بمعنی لژ بیداری ایران .